

دکتر بهروز عزیدفتری *

درباره

ترکیب هنری داستان * *

(۱) - مقدمه :

سازست موام (Somerset Maugham) ، ۱۹۶۵-
۱۸۷۳ رمان نویس مشهور انگلیسی در پیشگفتار جلد چهارم داستانهای
کوتاهش می گوید " ... موضوعهای داستانی در هر گوشه و کنار خیابان
یافت می شود اما نویسنده ممکن است در لحظه‌ای که می توان آنها را
برگزید در محل حضور نداشته یا مشغول تماشای ویتترین مغازه بسوده
باشدوبی توجه از کنار آنها بگذرد (۱ : ۱۹۶۷) - این سخن موام
تعریفی را که ویلیام جیمز (William James) ، ۱۹۶۵ از
ادبیات داده به نهن متبادرمی سازد. جیمز در آغاز کتابش با طرح
پرسش " ادبیات چیست ؟ " می گوید " زمانی که در مقام پاسخ به این

* عضویات علمی گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشگاه تبریز.

* * این مقاله عمدتاً با السام از فصل هفتم کتاب روان شناسی هنر

(Psychology of Art) ، ۱۹۷۱ اثر ل. س. ویگوتسکی (L. S. Vygotsk)

۱۹۳۴-۱۸۹۶ منتقدبزرگ و فقید روس به نگارش درآمده است .

پرسش برمی آید با تعاطی مفاهیم فراوانی مواجه می شویم چرا که "ادبیات وهستی" تقریباً همیشه دو مفهوم متداوم بوده اند" (ص ۵)*.

در باره تعریف و رسالت ادبیات با وجود کثرت و تنوع عقاید ارائه شده، عموماً این اتفاق نظر وجود دارد که ارزش یک اثر ادبی در وهله نخست گزینش والای تجربه انسان و در وهله دوم نمایش هنرمندانه تجربه است به طوری که خواننده برطبق نظریه القاء احساس^۱، تاشیر یافته، منفعل گردد و در جریان این سیوره یا انفعال عاطفی که عموماً در قالب واژه کاتارسیس^۲ (روان پالایی) تبیین می شود، بتواند فراتر از معانی واژه ها و جمله های متن، یا بعبارتی به دور از حجاب زبانی به دنیای ملکوتی انسان گام گذارد و در این استحاله روحی، تجسم عینی "انسانیت" و سزاوارستایش آفریدگارش باشد.

ما در این گفتار که موضوع آن بررسی اجمالی ترکیب هنرمندانه تجربه انسان در داستان کوتاه است قصد نداریم در باره موضوع نخست گزینش والای تجربه انسانی - سخن به تفصیل بگوئیم و تنها به ذکر این نکته بسنده می کنیم که نویسنده در انتخاب موضوع داستان نمی تواند صرفاً به عامل تصادف اکتفا کند. انتخابی که او از میان انبوه تجارب انسان می کند در واقع خود مبین نظام ارزشیابی فکری اوست، و بسه مفهومی، نقد زندگی است. اگر فیلسوف از پدیده های عالم هستی تعریفی ارائه می دهد، مورخ شرح وقایع را می نویسد این رسالت بزرگ

Literature

* بخشی از کتاب ویلیام جیمز تحت عنوان Response to

رانویسنده این مقاله با عنوان ادبیات و بازتاب آن به فارسی برگردانیده و نخستین بار انتشارات آگاه، تهران (۱۳۶۷) و در نوبت دوم انتشارات نیما، تبریز (۱۳۶۹) آنرا چاپ و منتشر ساخت.

1 - theory of infection of feeling

2 - catharsis

به عهده نویسنده است که کار فیلسوف و مورخ را تکمیل کرده و با عبور دادن تعاریف و شرح حوادث از منشور ادبیات ارزش کار آن دوراتعیین کند. این ارزشها زمانی حصرزمان و مکان را می شکند که روی سخن با انسان دارد، انسانی که از دیرباز به دور از قیل و قال رنگ پوست ، مذهب ، نژاد ... و با پیوندهای مشترک عاطفی و متجسم در امید ها ، دلهره ها ، شادیاها ، رنجها ... در این کره خاکی به زیستن آغازید. و زمانی که ارزشهای جهانشمول انسانی ارمغان آثار بزرگ ادب می شود کلام نویسنده متعالی و ماندگار می گردد. راز جاودانگی بزرگان ادب چون فردوسی ، مولوی ، حافظ ، شکسپیر ، تولستوی ، دیکنز جز این نیست که انسان در همه احوال سیمای خود را در آینه روشن کلام و اندیشه آنان می بیند. ما بر این باوریم که ادبیات برتارک دیگرهنرها قرار دارد و هنر زائیده رنج و هدفش زدودن رنج از هستی انسان است ، هنر پریشان است و در این پریشانی ، دلهای بیقرار را قرار و خاطرهای پریش را امنیت می بخشد و همین جمع اعداد در ماهیت و نقش هنر است که آنرا به پدیده ای بی بدیل و نامتکرر تبدیل می کند.

۲) ترکیب هنری داستان کوتاه

ویگوتسکی در تحلیل داستان " نفس آرام " ^۱ ، اثر باننین *

1- " Gentle Breath "

* ایوان الکسیویچ باننین (Ivan Alexeevich Bunin)
 ۱۹۵۲ - ۱۸۷۰ ، نویسنده نوآور روسی در یک خانواده نسبتاً فقیر به دنیا آمد. ایام کودکی را در مزارع منطقه اورال سیر می کرد و در اوان جوانی بعنوان ویراستار و خبرنگار روزنامه شروع به کار کرد. نخستین بار مجموعه اشعارش با عنوان به " زیر آسمان روشن " (Under the Open Sky) در سال ۱۸۹۸ به چاپ رسید. در سال ۱۹۰۱ ، انتشار ←

(روان شناسی هنر : ۱۹۷۱) دو مفهوم بنیادی را مطرح می سازد: ماده و صورت . ماده را می توان تجربه انسانی دانست که پیشتر از آن ذکر کوتاهی در مفهوم " گزینش تجارب والای انسان " به عمل آمد. اما صورت را باید به گفته ویگوتسکی ، به معنای صورت برونی ، شنودپذیر ، قابل رویت یا دیگر صور جسمی که محسوس به حواس ماهشند گرفت. صورت پوستهای نیست که جوهر را در میان گرفته باشد بلکه اصلی است پویا که ماده داستان را ساخته و پرداخته می کند. زمانی که در باره نحوه ارائه ماده داستان

← مجموعه اشعارش " برگهای ریخته " (Fallen Leaves) جایزه ادبی پوشکین را نصیب او ساخت اشعار باننین نمونه عالی شعر کلاسیک روسی و به تقلید سبک سروده های فت (A.A.Fet) یولونسکی (P. Polonsky) ، وتولسنوی (A.K.Tolstoy) می باشد و مضامین آنها به مناطق متروک ، دهات فقرزده روسی ، سرزمین اجدادی و جنگهای بیکران منطقه اورال مربوط می گردند .

باننین با چخوف و گورکی آشنا بوده و به تاثیر آن دو بود که در روی افکار مردمی نضج گرفت . او بهترین داستانهایش را در دهه ۱۹۰۰ به رشته تحریر کشید و در سال ۱۹۰۹ آکادمی علوم روسیه باننین را به درجه استاد افتخاری مباحثی ساخت . باننین استاد بلا منازع قصه ، داستان و رمان کوتاه (novella) است . نثر وی از کیفیت روشن ، صلابت قلم ، بیان موزون (موسیقی کلام) برخوردار - است . در آثار متاخر باننین چون The Dark Alley (1945) ، Mita's Love (1925) ، Elagin Affairs (1927) ،

ماجراهای عاشقانه با فرجامی تلخ مضمون اصلی را تشکیل می دهد باننین وارث سنت کلاسیک ادب روسی و یکی از نمایندگان واقعگرایی انتقادی (critical realism) در روسیه به شمار می رود ، آشوری دارای - ارزشهای زیبا شناختی و اخلاقی می باشد . گفتنی است در سال ۱۹۳۳ جایزه



بحث می‌کنیم با صورت آن سر و کار داریم.*

در ادبیات معاصر در باره مفهوم پیرنگ (Plot) و موضوع (Subject) در میان منتقدان ادب اتفاق نظر وجود ندارد. در روان‌شناسی هنر (۱۹۲۱)، اثر برجسته ویگوتسکی، آمده است که گروهی مانند شکلوفسکی^۱ و توماشه فسکی^۲ پیرنگ را همان ماده داستان می‌دانند، یعنی رویدادهای زندگی روزمره که داستان برپایه آنها قرار دارد؛ و موضوع را پردازش صوری ماده داستان تلقی می‌کند. دیگران چون پتروففسکی^۳ این دو واژه را به مفهوم معکوس - به کار برده‌اند، بدین معنا که موضوع، رویدادی است که مبنای داستان می‌باشد و پیرنگ پردازش هنرمندانه آن رویداد. هر چند خود ویگوتسکی موضع فکری گسره دوام را برگزیده است لیکن در کتاب روان‌شناسی هنر اصطلاح صورت‌گرایان را به کار می‌برد - کسانی که پیرنگ را برطبق سنت ادبی، ماده‌ای می‌دانند که

- 1- Shklovskii 2- Tomashevskii
3- Petrovskii

— ادبی نوبل نصیب باننین شد. برخی از آثارش عبارتند از:

A Good Life
The Gentleman from San Francisco
The Pines
The New Road
The Well of Days
Loop Ears

برای کسب اطلاع بیشتر درباره آثار باننین رجوع شود به دایره‌المعارف روسی، جلد سوم، ۱۹۷۰.

* مادرباره پیوستگی و وابستگی صورت و محتوا آنگونه که نتوان جدای از محتوا به صورت اندیشید و یا محتوا را بدون صورت در نظر گرفت در مقاله، "شعرون ترجمه آن" (دومین کنفرانس بررسی مسائل ترجمه، دانشگاه تبریز، مهر ۱۹۷۳) سخن به حد کفایت گفته‌ایم و در اینجا یادآوری می‌شویم که عقیده ویگوتسکی در این باره با نظرات منتقدان امروزی همسوئی کامل دارد.

اثر هنری بر پایه آن قرار دارد و صورت طرزپردازش ، و یا به مفهومی ترکیب هنرمندانه ماده است. به کلامی روشن‌تر ، موضوع با پیرنگ همان رابطه‌ای را دارد که صورت با ماده .

ویگوتسکی در بحث خود ، این پرسش را مطرح می‌سازد : چرا هنرمند از توالی زمانی طبیعی رویدادها در داستان‌ش انحراف می‌جوید؟ چرا از حرکت مستقیم داستان‌ش در راستای زمان‌منصرف شده ، ترجیح می‌دهد به عوض آنکه کوتاهترین فاصله میان دو نقطه را طی کند خط منحنی را توصیف کند؟* گاهی دیده شده است چنین گرایشی از جانب

* دشتی در قلمرو سعدی (۱۲۵۵) در فصلی تحت عنوان " خط منحنی " در بیان سُر موزونی سخن سعدی می‌گوید " ... یک خط منحنی پیوسته در نظم ... [سعدی] ، بویژه در غزل‌های او هست که بدان موجی می‌دهد و پیوستگی کلمات با هیچ‌گونه زاویه‌ای شکست بر نمیدارد و شبیه طنین ممتدیست که از ظرفی بلورین برخاسته و خرده خرده با نوازش و آرامی خاموش شود ... ریاضی دانان قدیم دایره را کاملترین اشکال هندسی می‌گفتند ... مثل این که میان خط منحنی و زیبایی تلازمی یا لاقل تناسبی هست . نخستین باری که این ملاحظه بمن دست‌داد در - جاده های کوهستانی سوئیس و ساووا بود :

خط مارپیچ با انحناهای نرم و همواری در کمرهای کوه کشیده شده بود ... و خط منحنی بدیدگان حریص ما فرصت میداد که از زاویه دیگر منظره را تماشا کند و ملال یکنواختی ، بجان خستگی پذیر ما راه نیابد. " آنگاه دشتی با قلم فاخر و سبک محتشم خود ملازمه منحنی با زیبایی صورت و اندام ، خلق و رفتار ، سیاست ، معاشرت ، رقص ، موسیقی ، شعر ، خط و معماری را برای ما ترسیم کرده ، نشان می‌دهد که خط منحنی در همه جلوه های طبیعت و هستی آفریننده زیبایی است (صص ۶۲ - ۲۷) .

نویسنده به طور ساده هوس تلقی شده ، از آن تحلیل نادرستی اراشه گردیده است . مثلا ، مدتها این عقیده رواج داشته است که اوگنسی اونه‌گین ، شعر حماسی پوشکین ، دارای گریزهای فراوانی است که هیچ گونه پیوند اورگانیکی با کالبد شعر ندارد و در واقعی این گریزها بمثابة میان پرده های شعر تلقی می شد. ویگوتسکی این نظر را خطا می داند و معتقد است که این انحرافات یا تمهیدات تکنیکی همچون زیر و بمهای آهنگی هستند که اثر را دلنشین می سازد و به عنوان تمثیل می گوید سه صورت یا سه واژه را در نظر بگیرید که با ترتیب معینی رابطه خاصی را به وجود می آورند و این رابطه را می توان با توجه به ترتیب توالی عناصر آنها تعیین نمود. به همین قیاس ، وقتی سه رویداد در کنار هم قرار می گیرند نوعی رابطه پویا را به وجود می آورند که می توان آن را با عنایت به ترکیب این رویدادها تعیین کرد . روشنتر سخن گفته باشیم : اگر داستانی با کشف جسد آغاز و آنگاه در جهت معکوس ترتیب زمانی ، یعنی از قتل ، تهدید ، مشاجره لفظی ... سخن گوید داستان دارای نوعی تاثیر خواهد بود متفاوت از تاثیر حاصل از بیان داستان بر مبنای ترتیب طبیعی وقوع حوادث : مشاجره لفظی ، تهدید ، قتل و کشف جنازه * ناگفته نماند ترکیب رویدادهای داستان تابع قواعد پیوستگی هنری است و هرچه این کار هنرمندانه تر فنورت گرفته باشد، اثر از طراوت و سرزندگی بیشتری برخوردار خواهد شد. به یاد داشته باشیم که ساختار هر داستانی متضمن یک طرح

* ما در این مقاله واژه‌های "تنظیم" را برای نشان دادن معنای واژه انگلیسی disposition (وقوع حوادث با ترتیب طبیعی) و واژه "ترکیب" را برای composition (آرایش هنرمندانه حوادث داستان) به کار برده ایم .

ایستاست که آنرا **آنا تومی داستان** می‌گویند و نیز یک طرح پویا که از آن با عنوان **فیزیولوژی داستان** نام برده می‌شود و از این رو این نویسنده چیره دست است که با تکنیک ترکیب هنری به ساخت بیجان داستان حیات می‌بخشد.

ویگوتسکی برای تحلیل ترکیب هنری اثر ادبی، داستان "نفس آرام" اثر ایوان باننن را برگزیده، معتقد است که این داستان از لحاظ هنری یکی از بهترین داستانهای کوتاه است که تا حال به نگارش درآمده است. و آن را نمونه واقعی نوع ادبی (Genre) می‌داند. دلیل دیگری که ویگوتسکی برای انتخاب این داستان برای بحث خود ذکر می‌کند این است که این اثر تا کنون دستخوش تفاسیر عوامانه و مبتذل آنگونه که آدمی به هنگام بررسی نقد متون آشنا چون تراژدیهای شکسپیر یا فابل‌های کریلف مشاهده می‌کند - چرا که تفسیر این آثار همواره با تعصباتی همراه بوده است - نگشته است.

ویگوتسکی در ابتدای تحلیل خود نخست به ذکر رویدادهای داستان که پیرنگ آنرا تشکیل می‌دهد می‌پردازد و آنگاه صورت هنری داستان را مورد بحث قرار می‌دهد.

پیرنگ داستان از این قرار است: اولیامش چرسکائیا^۱، دانش‌آموز دبیرستان دخترانه، همچون دوشیزگان مرفه و زیباروی دیگر شهرهای ایالتی روسیه زندگی می‌کند. بناگه اتفاقی رخ می‌دهد. او با مالیوتین^۲، ملاک مسن و دوست پدرش رابطه عاشقانه پیدا می‌کند و در این میان با یک افسر قزاق که اولیا به او وعده ازدواج می‌دهد آشنا شده، تسلیم وی می‌گردد. او بدینسان به گمراهی کشیده می‌شود. افسر قزاق که احساس می‌کند به او خیانت شده، اولیا را، درحالی که هنوز

1-Olia Meshcherskaia

2 - Maliutin

دلباخته اوست ، در یک ایستگاه پرازدحام راه آهن به ضرب گلوله از پای درمی آورد . خانم معلم اولیا ، این قربانی هوس را موضوع پرشور خود قرار داده ، غالباً با دلی دردمند و خاطری حزین بر سر آرامگاه او حاضر می شود. همه محتوای داستان همین است .

ویگوتسکی در این تحلیل ، حوادث داستان را یک بار با رعایت ترتیب طبیعی زمان وقوع آنها (disposition) و بار دیگر با ترکیب هنری (composition) عرضه می دارد.

تصنیف هنری رویدادها (۲)

نظم طبیعی رویدادها (۱)

- | | |
|---|-----------------------------------|
| الف - اولیامش چرسکائیا | ۱۴ - بر سر آرامگاه |
| ۱ - دوران کودکی | ۱ - دوران کودکی |
| ۲ - دوران جوانی | ۲ - دوران جوانی |
| ۳ - ماجرای معاشقه باشن سین ^۱ | ۳ - ماجرای معاشقه باشن سین |
| ۴ - گفت و گوئی درباره نفس آرام | ۸ - روزهای آخر زمستان |
| ۵ - ورود مالیوتین (به صحنه داستان) | ۱۵ - گفت و گوئی با مدیره دبیرستان |
| ۶ - رابطه نامشروع با مالیوتین | ۱۱ - قتل |
| ۷ - نوشتن خاطرات | ۹ - ماجرای معاشقه با افسر قزاق |
| ۸ - روزهای آخر زمستان | ۱۳ - بازجوئیهای متعاقب |
| ۹ - ماجرای معاشقه با افسر قزاق | ۷ - نوشتن خاطرات |
| ۱۵ - گفت و گوئی با مدیره دبیرستان | ۵ - ورود مالیوتین |
| ۱۱ - قتل | ۶ - رابطه نامشروع با مالیوتین |
| ۱۲ - خاک سپاری | |
| ۱۳ - بازجوئیهای متعاقب | |
| ۱۴ - بر سر آرامگاه | |

شش - دیدار از گورستان	ب - معلمه دبیرستان
هفت - بر مزار اولیا	یک - تدریس در دبیرستان
یک - تدریس در دبیرستان	دو - رویا پردازی در باره
دو - رویاپردازی در باره برادر	برادر
سه - رویا پردازی در باره آثار	سه - رویاپردازی دو باره
آثار بزرگ ادبی	آثار بزرگ ادب
پنج - رویاپردازی در باره اولیا	چهار - گفت و گو در باره
چهار - گفت و گو در باره نفس آرام	نفس آرام
	پنج - رویاپردازی در باره
	اولیا
	شش - دیدار از گورستان
	هفت - بر مزار اولیا

به طوری که مشاهده می شود در ستون سمت راست توالی طبیعی رویدادها در راستای زمان آمده و می توان این توالی را با خط مستقیم نشان داد. در ستون سمت چپ، همین رویدادها به گونه ای که در داستان آمده درج گردیده است. مجموعه حوادث در ترکیب هنری همان حوادثی هستند که درستون نظم طبیعی رویدادهاست.* اگر حوادث موجود در هر ستون (۱) و (۲) را به هم وصل کنیم نمودار درهم ریخته ای خواهیم داشت که نشان می دهد حوادث واقعی زندگی در راستای زمان و در امتداد خط مستقیم رخ می دهند ولیکن این حوادث در ترکیب هنری با ترتیبی متفاوت و به شکل منحنی عرضه می شود. در واقع، درهمین ترکیب هنری

* در ترکیب هنری رویدادها (ستون ۲) شماره های ۴ (گفت و گوئی در باره نفس آرام) و ۱۲ (خاکسپاری) گنجانده نشده است.

است که آنچه اصطلاحاً "آهنگ داستان" نامیده می شود ، تحقق می یابد . باننین به عوض آنکه در راستای زمان ، حوادث زندگی اولیسا را بازگو کند (زمانی که او دختر مدرسه ای بیش نبود بزرگ شد، زنیبائی گردید، سقوط اخلاقیش آغازگشت ... به قتل رسید و به خاک سپرده شد) توصیف خود را از مزار دختر آغاز می کند. آنگاه به دوران کودکی او می رود ، و به ناگاه از آخرین زمستان او صحبت به میان می آورد، به گفت و گوی اولیا با مدیره دبیرستان در باره سقوط اخلاقیش اشاره می کند و در پایان داستان از ماجرائی به ظاهر نامربوط در زندگی تحصیلی او که به گذشته های دور برمی گردد سخن می گوید. ترکیب حوادث در داستان " نفس آرام " آنگونه که باننین انجام داده است این اثر را ، به گفته ویگوتسکی ، به نمونه عالی آفرینش ادبی مبدل کرده است . این ترکیب هنری باننین یکی از انواع بی شمار روشهایی است که در ارائه حوادث به کار رفته است، اگر در نظر بیاوریم که با استفاده از صفر تا ۹ می توان ارقام بی شماری به وجود آورد ناگفته پیداست که در مجموع حوادث یک داستان می توان ترکیبهای فراوان و متنوع ساخت که فقط تعداد محدودی از آنها به لحاظ قرابت با قوانین جهانشمول شناختی و عاطفی انسان می توانند با هنر واقعی پهلو بزنند. قابلیت تلفیق حوادث داستان به طرق گوناگون که حدی بر آن قابل تصور نیست نشانه حاکمیت اصل پویا در آفرینش اثر هنری است که جان در کالبد داستان می دمَد ، آنرا رنگ و بوی هنری می بخشد و در نهایت آنرا در زمره پدیده های ابداعی و بی همتا قرار می دهد. از این روست که شمار آفرینش های ادبی بزرگ که فروغ جاودانگی بر تارک آنها می درخشد شاید از عدد

* برای کسب اطلاع بیشتر و مشاهده نمودار به مقاله " مختصری در باب دیدگاه هنری ویگوتسکی " ، نوشته بهروز عزیدفتری ، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی ، دانشگاه تبریز شماره ۱۵۵ مراجعه شود.

دو رقمی تجاوز نکند.

اکنون این پرسش مطرح است چرا نویسنده (باننین) نخواسته است در کنار حوادث داستان به ترتیبی که رخ داده بماند و در عوض آنها را با توالی هنری ویژه خود بیان کرده است. در پاسخ به این پرسش باید بگوئیم وقتی به محتوای داستان نگاهی می افکنیم همه آن را می توان تحت عنوان "ناملایمات زندگی" خلاصه کرد. در همه داستان یک نقطه درخشان وجود ندارد. موضوع داستان چیزی بجز زندگی کم اهمیت یا بهتر بگوئیم بی مفهوم دختر مدرسه ساکن شهری از شهرهای روسیه نیست. زندگی اولیا دارای ریشه بیمار و حاصل آن ناگزیر زیانبار و بی فرجام است. در همه داستان نه از عشق سخن رفته و نه تلویحا به آن اشارتی شده است. هیچ واژه‌ای به اندازه "عشق" در داستان مستبعد به نظر نمی رسد. همه شرایط زندگی، همه رویدادهای روزمره، مفاهیم و هیجانات با لحن ملایم و بدون وجود یک نقطه نورانی توصیف شده است. ویگوتسکی می گوید "زمانی که داستان را از این زاویه می نگریم می توان آن را "ناملایمات زندگی" یا "آبهای گل آلود زندگی" تعریف کرد. اما شگفت آنکه تاثیری که این داستان روی ما می گذارد تقریبا درست در جهت مخالف برداشتی است که از خود حوادث داریم. پیام واقعی داستان "نفس آرام" است، و نه زندگی آشفته دختر مدرسه شهرستانی. صفت ویژه این داستان احساس آزادی، سبکبالی و شفافیت بلورین زندگی است و هیچ یک از این ها را نمی توان از حوادث واقعی زندگی اولیا به دست آورد.

* به اعتقاد ما یکی از نشانه‌های هنر متعالی وجود عناصر متضاد و تنش‌زا در تکوین آنست. بعنوان مثال، در آثار بزرگ ادبی یونان باستان پس از آنکه خواننده در صحنه‌های فجیع آزار و کشتار قرار می‌گیرد در پایان به مفهوم گذشت، عطف و ایثار و در نتیجه به آرامشی، و به مفهومی به پالایش روانی دست می‌یابد.

درواقع ، خط مستقیم مبین واقعیت ساده و عریانی است که در داستان رخ می دهد و خط منحنی نمایانگر ساختار پیچیده و واقعیتی می باشد که نفس آرام داستان است . نویسنده در ترکیب هنری حوادث داستان آلودگیها و تیرگیها را از زندگی می زداید و به آن شفافیت بلورینی می بخشد. او این کار را انجام می دهد تا به گفته ویگوتسکی " ..حوادث زندگی را غیر واقعی جلوه داده ، آب را به شراب تبدیل کند همچنانکه در آثار هنری اصیل کار همیشه به این روال بوده است ... واژه هـ ای داستان در راستای خط مستقیم معنای خود را به همراه دارند (آب) ، اما در ترکیب هنری معنای دیگری به خود گرفته ، از رنگ و بوی دیگری برخوردار می شوند (شراب) . بدین ترتیب ، قصه پیش پا افتاده دختر مدرسه شهرستانی سر به هوا به نفخه روح بخش داستان کوتاه بانینس مبدل می گردد" (ص ۱۵۴) .

در جریان این استحال ، واقعه عادی زندگی روزمره به دست نویسنده هنرمند از بار عاطفی و هیجانی فراوان سرشار می شود و خواننده از خواندن آن سرمست . وجدان خفته ، روح مرده ، دست بخیل ، نفس لثیم که پند پیردانا را ننشیده و سر از خواب غفلت بر نداشته است از قبل فسون هنر که زخمه بر تارهای احساس وجودش می زند به وجدانی بیدار ، روحی زنده ، دستی بخشنده و نفس ایثارگر مبدل می گردد و در این صیوروت است که سترونی به باروری ، لطامت به کرامت ، تاریکی به روشنائی می رسد. ویگوتسکی در تحلیل ساختار ترکیب هنری داستان می گوید اگر داستان زندگی اولیامش چرسکا ئیابا همان ترتیب زمانی وقوع حوادث بیان می شد ، تعلیق تا لحظه مرگ وی غیر قابل تحمل می گشت . اما درست در آغاز داستان نویسنده ما را در برابر آرامگاه اولیا فرار می دهد و پس از مرگ اوست که از اسرار زندگیش آگسسه می شویم . این گونه ترکیب هنری حوادث داستان راهی برای تخلیه تنشی که ذاتی حوادث هستند فراهم می سازد .

در ترکیب هنری داستان ، نویسنده گاهی از حوادث واقعی فراتر رفته ، به مدد تخیل خود مواد دیگری را به کار می‌گیرد تا بتواند پیام خود را نه بر کرسی عقل که بر مسند دل بنشانند. آن فیلمسازی که وحشت جنگ را با غرش گلوله‌های توپ ، با شعله‌های سرکش آتش ، با سیاهی دخمه‌های هراس به نمایش می‌گذارد بی شبهه زمانی که در کنار اینها ، سکوت دشت‌های سبز ، خلوت آرام بخش کوچه‌ها و خیابانها شامگاهی ، شادی وجدآور خنده‌های کودکان را نشان می‌دهد بهتر می‌تواند کراهت عداوت و دشمنی و زیبایی صلح و دوستی را نشان دهد.

بنابراین ، نویسنده داستان " نفس آرام " تمهیدات و تکنیک‌های جالب دیگری را در رابطه با شیوه بیان داستان ، انتخاب واژه‌ها ، ساخت جمله‌ها و توصیف صحنه‌ها در این اثر به کار برده است* . ولیکن آنچه این داستان را بدیع می‌کند گزینش واقعیتها در آفرینش این اثر است که این خود عملی خلاق می‌باشد. در زندگی اولیامش چرسکاثیا هزاران واقعه ، هزاران گفت و شنود روی داده است اما نویسنده به‌دلیلی ، صرفاً برخی از این واقعیتها را برگزیده و بقیه را به کناری نهاده است . آن نقاش هنرمند که درختی را به تصویر می‌کشد نمی‌تواند همه برگهای درخت را ترسیم کند ، او به کمک نقطه‌های رنگ این احساس کلی را برای بیننده القا می‌کند و تنها اینجا و آنجا چند برگ را به تصویر می‌کشد . نویسنده هنرمند نیز با گزینشی که از واقعیتهای زندگی می‌کند ما را به مرزهای فراتر از آنچه در داستان آورده است می‌کشاند. این اعجاز هنر نویسنده است که از سازه‌های معینی داستان ، خواننده را به پهنه‌های کران ناپیدای اندیشه و احساس می‌برد و این ره سپردن زیبا و یا به مفهومی عروج از معین به نامعین ، از دلالت به اشارت ، از لفظ به سروس ، از قاعده به بینش و ... میسر نیست مگر با فسون هنر و آلاکه رموز آن

* نویسنده این مقاله داستان " نفس آرام " را به فارسی برگردانده تا خواننده خود در باره نظرات ویگوتسکی مربوط به این اثر تأمل کند. زحمت چاپ این داستان را صدف مرتضی زاده دوست ارز شمندنویسنده مقاله برعهده گرفته است .

تعلیل ناپذیر است و لاجرم پیر جاذبه، ابدی و مایه حیرت ستایشگرانش .
 این سخن پایانی ما را به آنچه در مطلع این گفتار از زیـــــان
 سامرست موام آوردیم می رساند. نوع گزینش واقعیتها و شیوه ترکیب
 هنری آنها دو معیار بزرگ تعیین ارزش اثر ادبی است . نویسنده در انجام
 این رسالت نخست زندگی را نقد کرده ، واقعیتها را انتخاب می کند و
 آنگاه با ترکیب آنها دست به آفرینش هنری می زند. این را هم از زبان
 و بگوتسکی گفته باشیم که یک اثر هنری همواره مقدار معینی تناقض ،
 مخداری ناهمخوانی درونی میان ماده و صورت دارد . هر چه این ماده
 شکننده و نافرمان باشد برای نویسنده ، چیره دست مناسب تر است .
 هدف بانین در داستان " نفس آرام " بیان همه زوایای زندگی یک دختر
 مدرسه شهرستانی روسی نیست بلکه هدف داستان این است که " ... بر
 ناملایمات فایق آمده ، وحشت را وابدارد به زبان " نفس آرام " سخن
 بگوید و سختیها ، آلام و آشوبهای زندگی را بر آن دارد تا همچون بساد
 بهاری تنفس کنند و جریان داشته باشند " . (ص ۱۶۵) .

منابع

- 1- James, William. 1965. Response to Literature. Mc Graw - Hill Book Co.
 - 2 - Maugham, Somerset. 1967. Complete Short Stories. Vol.IV, Washington Square Press.
 - 3 - Vygotsky, L.Semenovich.(English Translation, 1971). The Psychology of Art . The M.I.T. Press.
- ۴- دشتی، علی . ۱۳۵۵ در قلمرو سعدی ، انتشارات امیرکبیر.